

بررسی و مقایسه ساخت‌واژه‌های مرکب پربسامد در زبان فارسی براساس دو الگوی صرفی واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد^۱

نجمه اسلامی‌پور^۲

دانشجوی گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شهرام مدرس خیابانی^۳

استادیار گروه آموزش مترجمی زبان انگلیسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

بهرام مدرسی^۴

استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ایران کلباسی^۵

استاد گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

صرف تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد همواره مورد توجه پژوهش‌گران حوزه صرف بوده است. پژوهش‌گرانی مانند سلکرک (۱۹۸۲) و لیبر (۱۹۹۲) به صرف تکواژبنیاد و پژوهش‌گرانی همچون آرونف (۱۹۷۶) و باکتر (۱۹۹۳) به صرف واژه‌بنیاد پرداخته‌اند. دو محور جانشینی و همنشینی به‌ترتیب برای ساخت‌واژه در رویکرد واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد مطرح بوده است. براساس گفته آرونف، در رویکرد واژه‌بنیاد، واژه جدیدی با اعمال قاعده به واژه موجود منفرد ساخته می‌شود و در نتیجه هر دو نوع این واژه‌ها از اعضای طبقه واژگانی اصلی هستند. تکواژها در رویکرد تکواژبنیاد، نقش مهمی در شکل‌گیری واژه‌ها دارند. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ساختار واژه‌های پربسامد مرکب زبان فارسی براساس نظریه واژه‌بنیاد آرونف (۱۹۷۶) و تکواژبنیاد لیبر (۱۹۹۲) است. برای این منظور ۱۰۰۰ واژه نخست از واژه‌های پربسامد مرکب زبان فارسی از پایگاه داده‌های زبان فارسی استخراج و پس از آن ساخت هر واژه، براساس هر دو رویکرد بررسی و مقایسه شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ساخت ۸۳/۶۸٪ از واژه‌های مرکب مورد بررسی با هر دو رویکرد و ۱۶/۳۲٪ از واژه‌ها تنها با رویکرد واژه‌بنیاد قابل تبیین است؛ این در حالی است که در داده‌های مورد بررسی، حتی یک واژه مرکب یافت نشد که تنها با رویکرد تکواژبنیاد قابل تبیین باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی تکواژبنیاد، الگوی واژه‌بنیاد، واژه‌های مرکب پربسامد زبان فارسی، واژه‌های مشتق‌مرکب پربسامد زبان فارسی، پیکره زبانی.

۱- مقالات این شماره با تأخیر در سال (۱۳۹۸) پذیرش و چاپ شده‌اند.

nislamipour@yahoo.com

۲- پست الکترونیکی:

shmodarress@yahoo.com

۳- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

Bah.modarresi@iauctb.ac.ir

۴- پست الکترونیکی:

i_kalbassi@yahoo.com

۵- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

برد^۶ (۱۹۹۵: ۱) بر این باور است که صرف به‌لحاظ صوری مجموعه‌ای از روش‌های واجی برای بیان روابط اجزای واژه، واژه در گروه‌ها و اجزای تشکیل‌دهنده گروه‌ها در جملات است. عنصر کلیدی صرف، واژه است. نمادی که به‌صورت دو طرفه متشکل از صدا و معناست. هدف اصلی صرف‌نگاشت^۷ صدا به معنا در درون واژه و میان واژه‌هاست.

نایدا^۸ (۱۹۴۹: ۱)، صرف را مطالعه تکواژها و ترتیب آن‌ها در شکل‌گیری واژه‌ها می‌داند. تکواژ کوچک‌ترین واحد معنادار است که واژه‌ها یا قسمتی از واژه‌ها را تشکیل می‌دهد؛ برای مثال می‌توان از boy، -ceive، de- re- demand و مانند این‌ها در receive [دریافت‌کردن]، boyish [پسرانه] و demand [تقاضاکردن] نام برد.

کوتز^۹ (۱۹۹۹: ۴) سه تعریف از تکواژ ارائه می‌دهد: ۱- تکواژ به‌طور معمول واحد معنادار است؛ ۲- تکواژ به‌طور معمول واحدی است که تکرار می‌شود؛ ۳- تکواژ ممکن است نظامی از عناصر قابل عوض شدن را تشکیل دهد.

در واژه bookshelf [قفسه کتاب]، book [کتاب] و shelf [قفسه] معنادار است. زمانی تکواژ معنادار می‌شود که در واژه‌های متعدد دیده شود. یک تکواژ ممکن است در الگوی منظمی از تبادل دیده شود؛ برای مثال -est در longest [درازترین] تکواژ محسوب می‌شود، نه تنها به‌خاطر اینکه وقتی که long [دراز] را حذف می‌کنیم، باقی می‌ماند؛ بلکه به این سبب که می‌توان آن را با -er عوض کرد (softer [نرم‌تر]، softest [نرم‌ترین]، duller [تیره‌تر]، dullest [تیره‌ترین]). کوتز (۱۹۹۹: ۱۱) در بخش دیگری از کتاب خود این پرسش را مطرح می‌کند که واژه چیست. او می‌گوید که این اصطلاح مبهم است و باید در مورد آن بحث شود. او جمله زیر را مطرح می‌کند و می‌نویسد که در Somebody donated a map because I like maps واحد واژگانی یکسان همیشه به یک صورت نشان داده نمی‌شود. بیشتر اوقات این تفاوت‌ها به تفاوت‌های معنایی یک طبقه دستوری برمی‌گردد؛ برای مثال صورت‌واژه‌های map^{۱۰} [نقشه] و maps [نقشه‌ها] را در نظر بگیرید. هرکدام از این واژه‌ها نشان‌دهنده واحدهای واژگانی یکسان یا تکواژه^{۱۱} است

6. R. Beard

7. map

8. E. A. Nida

9. R. Coates

10. word forms

11. lexeme

که به‌لحاظ ویژگی‌های دستوری با یکدیگر فرق می‌کنند. map به یک map واحد و maps به هر نوع map دلالت می‌کند؛ همچنین به‌لحاظ شمار با هم فرق دارند و هر کدام واژه دستوری^{۱۲} متفاوتی برای یک تکواژه یکسان تلقی می‌شود؛ بنابراین هفت تکواژه مختلف در جمله وجود دارد.

تکواژهای تشکیل‌دهنده واژه‌ها و نحوه چینش آن‌ها در واژه‌ها از جمله مسائل پیش روی زبان‌شناسان و به‌ویژه پژوهش‌گران حوزه صرف بوده است. رویکرد صرف تکواژبنیاد^{۱۳} مورد نظر پژوهش‌گرانی چون لیبر^{۱۴} (۱۹۹۲) و سلکرک^{۱۵} (۱۹۸۲) و رویکرد صرف واژه‌بنیاد^{۱۶} مورد نظر پژوهش‌گرانی همچون آرونف^{۱۷} (۱۹۷۶) و باکتر^{۱۸} (۱۹۹۳) بوده است. برای توصیف بهتر این دو رویکرد از دو محور جانشینی^{۱۹} و همنشینی^{۲۰} به‌ترتیب برای ساخت واژه در رویکرد واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد استفاده می‌شود؛ در رویکرد واژه‌بنیاد، واژه‌ها روی محور جانشینی به‌جای یکدیگر قرار می‌گیرند و در رویکرد تکواژبنیاد، واژه‌ها در کنار یکدیگر و به‌صورت همنشینی نمود می‌یابند (پلگ^{۲۱}، ۲۰۰۳: ۱۸۰).

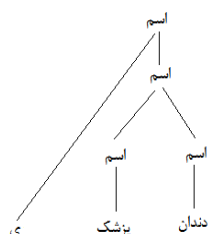
آرونف (۱۹۷۶: ۲۱) از طرفداران و بنیان‌گذاران الگوی واژه‌بنیاد، قواعد ساخت واژه^{۲۲} را براساس الگوی واژه‌بنیاد به‌صورت زیر بیان می‌کند:

«۱- تمام فرایند ساخت واژه منظم (باقاعده)، واژه‌بنیاد است؛ ۲- واژه جدید با اعمال قاعده منظم به واژه موجود منفرد ساخته می‌شود و ۳- واژه جدید و واژه موجود از اعضای طبقه واژگانی اصلی است». به‌باور آرونف (۱۹۷۶: ۲۲) قواعد ساخت واژه بر روی صورت‌هایی کمتر از واژه یعنی تکواژ عمل نمی‌کند.

ازسوی دیگر، باکتر (۱۹۹۳: ۲۱-۳۹)، از پیروان صرف واژه‌بنیاد، معتقد است که بخش صرفی دستور در رویکرد تکواژبنیاد دارای دو قسمت (۱) واژگان و (۲) مجموعه‌ای از قوانین یا قراردادهایی است که چگونگی اتصال تکواژها به یکدیگر برای ساختن واژه را مشخص می‌کند. در رویکرد واژه‌بنیاد بخش صرفی دستور دارای دو قسمت (۱) واژگان و (۲) قواعدی است که الگوی نظام‌مندی از شباهت را بین

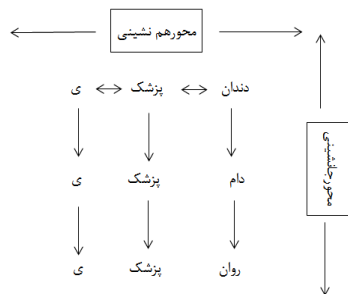
-
12. grammatical word
 13. Morpheme - based morphology
 14. R. Lieber
 15. E. Selkirk
 16. Word - based morphology
 17. M. Aronoff
 18. H. Bochner
 19. paradigmatic axis
 20. syntagmatic axis
 21. I. Plag
 22. word formation rules

مدخل‌هایی که در واژگان فهرست شده است، بیان می‌کند. او واژه‌های مشتق و غیر زایا مانند abusive [توهین‌آمیز] را مثال می‌زند که در نظریه لیبر وجود این واژه وابسته به نشان‌دار کردن + لاتین در مدخل واژگانی abuse [توهین] است. در رویکرد واژه‌بنیاد مورد نظر آرونف، هر واژه مانند abusive دارای اطلاعات مستقلی است که باید در واژگان فهرست شود؛ بنابراین می‌توان گفت که در صرف واژه‌بنیاد، واژه‌ها بر اساس الگوی قیاسی ساخته می‌شود و این در حالی است که در رویکرد تکواژبنیاد، همچون قواعد نحوی تکواژها مانند واژه‌ها به صورت سلسله‌مراتبی به یکدیگر متصل شده تا واژه جدید ساخته شود. در اینجا با نمونه‌ای می‌توان تفاوت این دو رویکرد را نشان داد.



نمودار (۱). ساختار پایگانی واژه «دندان پزشکی»

واژه «دندان پزشکی» از دو تکواژ واژگانی آزاد /دندان/ و /پزشک/ و یک تکواژ اشتقاقی و وابسته /i-/ ساخته شده است و بنابراین از منظر صرف تکواژبنیاد «مشتق مرکب^{۲۳}» است. این واژه ساختاری سلسله‌مراتبی و پایگانی^{۲۴} دارد و اجزای آن بر روی محور همنشینی کنار یکدیگر قرار می‌گیرد (نمودار ۱)؛ به همین دلیل با رویکرد تکواژبنیاد سازگار است.



نمودار (۲). نمونه‌ای از دو محور همنشینی و جانیشینی

۲۳- نگارندگان با پیروی از الگوی شقاقی (۱۳۸۹: ۹۱-۹۲) واژه‌هایی را مرکب در نظر می‌گیرند که در آن «دو یا چند واژه بسیط یا تکواژ واژگانی (آزاد یا وابسته) و تکواژ آزاد دستوری یا دو واژه غیر بسیط، واژه جدیدی می‌سازد. از آنجاکه سازه‌های کلمه مرکب ممکن است بسیط، غیر بسیط، واژگانی، دستوری، آزاد یا وابسته باشد، با استفاده از اصطلاح واژه می‌توان گفت واژه مرکب از دو یا چند واژه ساخته شده و فرایند ترکیب در این کار دخالت داشته است».

اما می‌توان برای تبیین ساخت این واژه از محور جاننشینی و رویکرد واژه‌بنیاد نیز استفاده کرد و به‌شکلی قیاسی واژه‌هایی نظیر «دام‌پزشکی» و «روان‌پزشکی» را مشاهده کرد (نمودار ۲). در چنین رویکردی، یعنی رویکرد واژه‌بنیاد، چیزی با عنوان مشتق‌مرکب وجود ندارد، چون در چنین الگویی ساختار درونی واژه‌ها مهم نیست.

بدین ترتیب می‌توان گفت که دو الگوی واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد نسبت به ساخت واژه‌های مرکب نگاهی متفاوت دارد. درحالی‌که ازمنظر واژه‌بنیاد واژه‌هایی مانند «دسترسی» مشتق هستند، مواردی این‌چنین ازمنظر تکواژبنیاد مشتق‌مرکب است؛ همچنین واژه‌هایی مانند «فیلم‌نامه» ازمنظر واژه‌بنیاد مرکب و ازمنظر تکواژبنیاد مشتق‌مرکب است.

هدف پژوهش حاضر بررسی ساختار واژه‌های پربسامد مرکب زبان فارسی براساس نظریه واژه‌بنیاد مورد نظر آرونف (۱۹۷۶) و تکواژبنیاد مورد نظر لیبر (۱۹۹۲) بوده است. برای این منظور، ابتدا ۵۰۰۰ واژه نخست پربسامد غیر بسیط از «پایگاه داده‌های زبان فارسی^{۲۵}» استخراج شد و سپس با بهره‌گیری از فرهنگ معاصر فارسی (۱۳۹۶) و براساس دیدگاه کلباسی (۱۳۹۱) و شقاقی (۱۳۸۹)، ۱۰۰۰ واژه نخست از پربسامدترین واژه‌های مرکب و مشتق‌مرکب زبان فارسی انتخاب شد و درنهایت ساخت هر واژه، براساس هر دو رویکرد بررسی و مقایسه شده است.

بدیهی است دستاوردهای چنین پژوهشی هم به‌لحاظ نظری و هم به‌لحاظ کاربردی سودمند خواهد بود. ازمنظری نظری، نحوه ساخت واژه‌های مرکب در زبان فارسی بررسی می‌شود و ازمنظری کاربردی، ابزاری مناسب در اختیار مترجمان و متخصصان حوزه واژه‌گزینی قرار خواهد گرفت. براساس این، پژوهش حاضر شامل پنج بخش است. بخش اول مقدمه است که در آن به بیان مسئله، هدف، روش، اهمیت و ساختار پژوهش پرداخته شده است. بخش دوم به چارچوب نظری پژوهش اختصاص دارد. بخش سوم پیشینه پژوهش را دربر می‌گیرد. بخش چهارم شامل تحلیل داده‌ها می‌شود و در بخش پنجم به بحث و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۲- چارچوب نظری

به‌باور آرونف (۱۹۷۶: ۲۲) قواعد ساخت واژه، قواعدی برای تولید واژه‌هایی است که در فرهنگ لغت زبان ذخیره می‌شود. بخشی از دستور زبان شامل این قواعد است و کاملاً جدا از قواعد نحوی و واجی دستور است. بخشی از قواعد ساخت واژه، عملیات واجی است. آرونف (۱۹۷۶: ۴۷) معتقد است که

واژه پایه به‌لحاظ نحوی مشخص است. معنای برون‌داد قاعده ساخت واژه به‌لحاظ معنایی همیشه از معنای پایه تبعیت می‌کند. آرونف (۱۹۷۶: ۵۰)، قاعده‌ای به‌صورت زیر می‌نویسد که برای پسوند شغلی عاملی «er-» است و می‌توان واژه‌هایی مانند baker [نانوا]، programmer [برنامه‌ریز] و diver [غواص] را به‌مثابه نمونه برای این قاعده نام برد:

1) *V#er_N* 'one who Vs habitually, professionally, ...'

به‌باور آرونف و فودمان (۲۰۱۱: ۴۷)، ترکیب نوع خاصی از اشتقاق است؛ زیرا ترکیب ساختن یک تکواژ از دو یا چند تکواژ دیگر را شامل می‌شود. آرونف و فودمان (۲۰۱۱: ۱۱۲) نمونه‌هایی را مانند amusement + park [پارک + سرگرمی] و coffee + house [خانه + قهوه] نام می‌برند که فرایندی اشتقاقی است که ترکیب نام دارد.

لیبر (۲۰۰۹: ۳-۴) می‌نویسد که اگر از ما خواسته شود تا مفهوم واژه را تعریف کنیم، از پاسخ‌دادن به آن عاجز خواهیم بود. او با اشاره به تعریف‌های مختلفی که از واژه شده می‌نویسد که واژه یک یا بیشتر از یک تکواژ است که می‌تواند به‌تنهایی در یک زبان باقی بماند؛ همچنین واژه‌ها را به واژه‌های بسیط/ ساده^{۲۶} مانند giraffe [زرافه] که متشکل از یک تکواژ است و پیچیده^{۲۷} مانند blackboard [تخته‌سیاه] یا opposition [مخالفت/ تقابل] که دارای بیشتر از یک تکواژ است تقسیم می‌کند. لیبر (۲۰۰۹: ۴۳) معتقد است که واژه مرکب، واژه‌ای است که از دو یا تعداد بیشتری پایه، ریشه و یا ستاک تشکیل شده است.

در زبان انگلیسی از پایه‌های آزاد برای تشکیل واژه مرکب استفاده می‌شود؛ برای نمونه می‌توان واژه‌های مرکب با دو اسم bookstore [کتاب‌فروشی]، مرکب‌هایی با دو صفت icy cold [سرد یخی]، مرکب‌هایی با یک صفت و یک اسم blackboard [تخته‌سیاه] و مرکب‌هایی با یک اسم و یک صفت cherry red [قرمز گیلاسی (آلبالویی)] را داشته باشیم. لیبر در پاسخ به این پرسش که چگونه توالی‌ای از واژه‌ها، واژه مرکب می‌سازد، معتقد است که نمی‌توانیم با داشتن یک معیار که در تمام موارد صدق کند، مسئله را حل کنیم. به‌باور وی شیوه نگارش کمک‌چندانی در تشخیص واژه مرکب نمی‌کند؛ در زبان انگلیسی روش مشخصی برای نگارش واژه مرکب وجود ندارد. برخی مانند greenhouse [گلخانه] به‌صورت یک واژه نوشته می‌شود، دیگری مانند dog bed [تخت سگ] به‌صورت دو واژه نوشته می‌شود و برخی مانند producer-director [کارگردان - تهیه‌کننده] با یک خط فاصله میان دو پایه نوشته می‌شود.

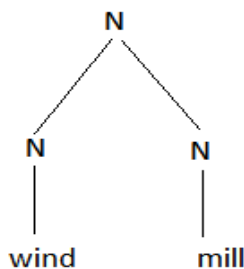
26. Simple or simplex words

27. complex

شاید معیار تکیه^{۲۸} توجیه‌گر بهتری باشد؛ در زبان انگلیسی تکیه واژه‌های مرکب، اغلب روی واژه پایه سمت چپ یا اولین واژه پایه قرار می‌گیرد؛ اما در گروه‌ها، تکیه به‌طور معمول روی عنصر سمت راست قرار می‌گیرد؛ برای نمونه واژه *greenhouse* که مکانی برای رشد گیاهان است را با عبارت *green house*، که به معنی خانه‌ای است که با رنگ سبز رنگ شده است، مقایسه می‌کنیم؛ البته همیشه در واژه‌های مرکب تکیه روی واژه سمت چپ قرار نمی‌گیرد. خیلی از افراد واژه *apple pie* را با گذاشتن تکیه در پایه دوم تلفظ می‌کنند؛ ولی *apple cake* را با گذاشتن تکیه در سمت چپ تلفظ می‌کنند؛ با وجود این، احساس می‌شود که هر دو واژه، مرکب است و غیر منطقی است که یکی را مرکب بدانیم و دیگری را مرکب فرض نکنیم (لیبر، ۲۰۰۹: ۴۳).

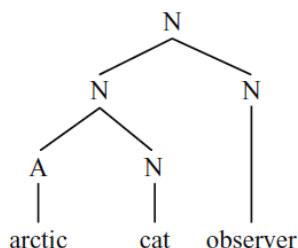
آزمون دیگری برای شناسایی واژه مرکب وجود دارد. اگر واژه توصیف‌کننده‌ای میان عناصر یک عبارت درج شود و حاصل ساختاری بی معنی شود، توالی دو واژه، یک ترکیب محسوب می‌شود؛ بنابراین هم *apple pie* و هم *apple cake*، با وجود داشتن تکیه‌های متفاوت، مرکب تلقی می‌شوند. در هیچ‌کدام از این دو مورد نمی‌توان توصیف‌کننده‌ای مانند *delicious* را میان دو پایه درج کرد؛ دو عبارت *apple delicious pie** و *apple delicious cake** به‌شکلی یکسان عجیب به‌نظر می‌رسد (لیبر، ۲۰۰۹: ۴۳).

لیبر در بخش دیگری از کتاب خود واژه‌های مرکبی مانند *windmill* [آسیاب بادی] را دارای ساختار زیر می‌داند:



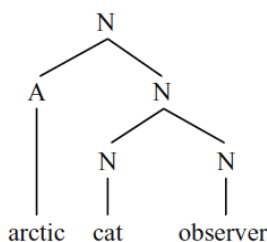
نمودار (۳). ساختار واژه مرکب *windmill* (لیبر، ۲۰۰۹: ۴۴)

لیبر (۲۰۰۹: ۴۴-۴۵) با بحثی درباره واژه‌های مرکب می‌نویسد که برخی از آن‌ها مبهم است. به‌همین دلیل می‌تواند با بیشتر از یک ساختار نشان داده شود. برای نمونه ترکیب *arctic cat observer* ممکن است چنین ساختاری داشته باشد:



نمودار (۴). ساختار واژه مرکب **arctic cat observer** (لیبر، ۲۰۰۹: ۴۴)

واژه مرکب **arctic cat** [گره و ابسته به قطب شمال (گره شمالی)] با اسم **observer** [مراقب، متصدی (ناظر)] ترکیب می‌شود تا ترکیبی پیچیده بسازد. این ترکیب باید روی هم‌رفته به معنای **an observer of arctic cats** [ناظر گره‌های شمالی] باشد؛ اما اگر ترکیب **arctic cat observer** [ناظر گره شمالی] بخواهد معنی **a cat observer who likes to do her observations in the arctic** [ناظر گره که دوست دارد مشاهدات خود را در قطب شمال انجام دهد] را بدهد ساختار نمودار درختی به صورت زیر خواهد بود که در آن ابتدا **cat observer** با هم ترکیب می‌شود و بعد **arctic** به آن اضافه می‌شود:



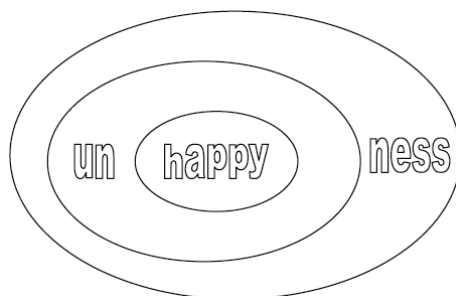
نمودار (۵). ساختار واژه مرکب **arctic cat observer** (لیبر، ۲۰۰۹: ۴۵)

لیبر (۲۰۰۹: ۳۷-۵۰) بیان می‌کند هنگامی که یک واژه مشتق را به تکواژهای تشکیل‌دهنده آن تقسیم می‌کنیم، تصور می‌شود که واژه‌ها همانند مهره‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند تا گردنبندی را بسازد. یکی پس از دیگری و در یک خط:

2) unhappiness = un + happy + ness

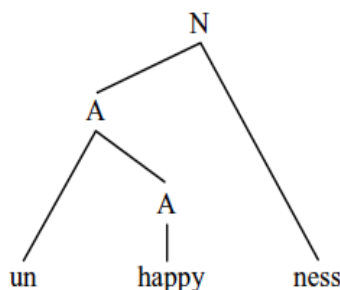
برخی متخصصان حوزه صرف بر این باورند که واژه‌ها بیشتر شبیه «پیاز» هستند تا «گردنبند»: «پیازها» از لایه‌هایی از درونی‌ترین لایه تا بیرونی‌ترین لایه ساخته شده است؛ برای نمونه، می‌توان واژه **unhappiness** [بدبختی] را به **un + happy + ness** تجزیه کنیم، اما جدا از اینکه اگر ویژگی‌های پیشوند **un-** و پسوند **-ness** را در نظر بگیریم، چیزی فراتر در مورد اینکه از چه طریقی این واژه از اجزای تشکیل‌دهنده‌اش ساخته شده را می‌دانیم. می‌دانیم که **un-** در ابتدا باید به پایه یعنی **happy** بچسبد.

happy صفت است و -un به صفت می‌چسبد ولی مقوله آن را تغییر نمی‌دهد. پسوند -ness فقط به صفت می‌چسبد و آن را به اسم تبدیل می‌کند. پس اگر -un ابتدا به happy بچسبد و بعد -ness را اضافه کنیم، نیازهای هر دو وند برآورده می‌شود؛ اما اگر این کار را از روشی دیگر انجام می‌دادیم، -ness در ابتدا یک اسم را می‌ساخت و -un نمی‌توانست به آن متصل شود؛ بنابراین می‌توانیم ترتیب اتصالات را به گونه‌ای نشان دهیم گویی که واژه واقعاً «پیاز» است. این واژه را به شکل زیر نشان می‌دهیم که در آن واژه پایه در درونی‌ترین لایه و هر وند در لایه بعدی خود است (لیبر، ۲۰۰۹: ۳۷-۳۸).



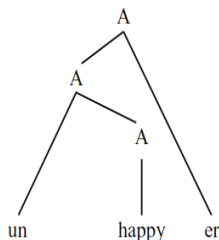
شکل (۱). واژه‌ها مانند پیاز است (لیبر، ۲۰۰۹: ۳۸)

اما بیشتر زبان‌شناسان ترجیح می‌دهند که این روابط را به صورت نمودار (۶) یعنی نمودار درختی نشان دهند.



نمودار (۶). ساختار درختی واژه «unhappiness» (لیبر، ۲۰۰۹: ۳۸)

لیبر (۲۰۰۹: ۱۹۰-۱۹۳) به «تناقض در قلاب‌گذاری»^{۲۹} اشاره می‌کند و می‌نویسد که این‌ها مواردی هستند که در آن به نظر می‌رسد ساختار معنایی یا واجی یک واژه با ساختار درونی آن در تناقض باشد؛ برای مثال در واژه unhappier [بدبخت‌تر] براساس معنی کلمه، ساختاری مانند نمودار (۷) خواهیم داشت.

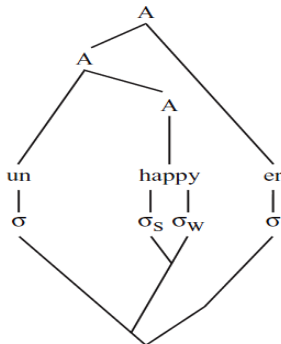


نمودار (۷). ساختار واژه «unhappier» براساس معنی واژه

معنی این واژه «بدبخت‌تر» به نظر می‌رسد. پسوند *-er* به صفت منفی چسبیده است؛ بنابراین معنی واژه با این ساختار مرتبط است. ولی این پسوند دارای محدودیت واجی است که این ساختار را زیر سؤال می‌برد. این پسوند به صفت‌های یک‌بخشی و صفت‌های دوبخشی‌ای که بخش دوم آن‌ها تکیه ندارد، می‌چسبد. برای صفتی مثل *upset* [ناراحت، آشفته] که صفتی دوبخشی است و تکیه در بخش دوم آن قرار می‌گیرد، از *more* استفاده می‌شود. صفت‌های سه‌بخشی با *-er* نمی‌آید؛ بنابراین مشکل ساختار نمودار (۷) این است که *-er* به *unhappy* چسبیده که متشکل از سه بخش است؛ البته اگر *-er* در ابتدا به *happy* بچسبد و سپس *un-* به بیرون از آن بپیوندد، مشکلی وجود ندارد:

3) [un [[happy]er]]

ولی این ساختار معنی دقیق واژه را نشان نمی‌دهد و به معنی «نه خوشبخت‌تر» است و نه «بدبخت‌تر». لیبر برای این منظور دو ساختار هم‌زمان ترسیم کرده است: قسمت بالای نمودار، ساختار معنایی واژه را نشان می‌دهد و قسمت پایینی ساختار، ساختار واجی واژه را نشان می‌دهد که در آن σ نشان‌دهنده هجا، σ_s نشان‌دهنده هجای دارای تکیه و σ_w نشان‌دهنده هجای بدون تکیه است. لیبر در ادامه می‌نویسد که اگر واژه‌ها دارای دو ساختار جدا و هم‌زمان یکی برای ساختار نحوی و معنی واژه و دیگری برای ساختار واجی باشد، واژه‌ای مانند «unhappier» دیگر تناقضی ندارد.



نمودار (۸). دو ساختار هم‌زمان آوایی و معنایی واژه «unhappier»

در این بخش، به برخی آثار پژوهش‌گران غیر ایرانی و پژوهش‌گران ایرانی، درباره موضوع مقاله خواهیم پرداخت. میان زبان‌شناسان غیر ایرانی افرادی چون نوول^{۳۰} (۲۰۰۲)، جانگ^{۳۱} (۲۰۰۵)، چن و چن^{۳۲} (۲۰۰۶)، بوی^{۳۳} (۲۰۰۷) و بلوینز^{۳۴} (۲۰۱۳)، در آثار خود، به بررسی شیوه ساخت واژه از دو منظر صرف واژه‌بنیاد و صرف تکواژبنیاد پرداخته‌اند؛ اما در میان آثار زبان‌شناسان ایرانی، پژوهش‌های بسیاری درباره ساختمان واژه در زبان فارسی صورت گرفته است و تنها برخی زبان‌شناسان ایرانی به مقایسه ساخت واژه در زبان فارسی از دو منظر رویکرد واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد پرداخته‌اند.

ارکان (۱۳۹۰) واژه‌های مرکب فعلی بر مبنای نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی براساس نظریه آرونف (۱۹۹۴) را بررسی می‌کند. او در ادامه می‌نویسد که در واژه‌های مرکب فعلی وجود یک ستاک فعلی مرکب مقید مفروض است که در اثر فرایند ترکیب دو ستاک واژگانی به وجود آمده است. پس از آن، فرایندهای واژه‌سازی که شامل اشتقاق و تصریف می‌شود بر این ستاک مرکب اعمال می‌شود. او نتیجه می‌گیرد که وجود این نوع ستاک ضروری است؛ زیرا پایه خیلی از فرایندهای واژه‌سازی است و برخی از فرایندهای زیای واژه‌سازی بدون فرض آن صورت نمی‌پذیرد.

شریفی (۱۳۹۱) به دو نگرش واژه‌بنیاد و تکواژبنیاد اشاره می‌کند و معتقد است که خیلی از رویکردها تکواژبنیاد یا واژه‌بنیاد محض نیست. این رویکردها به صورت پیوستاری است که رویکردهایی معدودی در دو سوی آن قرار دارد که تکواژبنیاد یا واژه‌بنیاد حقیقی^{۳۵} نام دارد و بقیه رویکردها در فاصله میان این دو است. شریفی همچنین به رویکرد واژه‌بنیاد حقیقی و تفاوت موجود در الگوهای آن اشاره می‌کند و می‌نویسد که دست کم در تحلیل صورتهای واژه‌جایی در زبان فارسی، این رویکرد بهتر از دیگر رویکردها به کار گرفته می‌شود و نتایج بهتری دارد.

صراحی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تحلیل دستگاه واژگان زبان فارسی براساس نظریه هله و آرونف می‌پردازد. با بررسی ۱۰۰۰ واژه به این نتیجه می‌رسد که با وجود سازگاری نظریه واژه‌بنیاد آرونف با واقعیت، ولی به لحاظ ویژگی‌های قواعد واژه‌سازی از دیدگاه آرونف، برابری کامل با دستگاه واژگان فارسی ندارد. وی با انتقاد از نظریه آرونف، می‌نویسد که تکواژهایی در زبان فارسی هست که به نحوی

30. S. Neuvel

31. Y. S. Jang

32. T. M. Chen & J. Y. Chen

33. G. Booij

34. J. P. Blevins

35. Whole- word or seamless morphology

کاملاً زایا و فعال، در اشتقاق حاضر می‌شود و متعلق به طبقه اصلی واژگانی نیست و جزء واژه‌هایی که تجلی‌رو ساختی دارد، نیست.

ارکان و صفری (۲۰۱۷) مقاله‌ای درباره اسم‌های مرکب فارسی در چارچوب صرف ساختی^{۳۶} نوشته‌اند. براساس یافته‌های آن‌ها تحلیل اسم‌های مرکب فارسی براساس صرف ساختی درجه عمومیت را در ساخت اسم‌های مرکب فارسی افزایش می‌دهد و مفهوم جامعیت را در صورت و معنای اسم‌های مرکب گسترش می‌دهد؛ همچنین رابطه جانشینی در الگوی ساختار اسم‌های مرکب فارسی را برجسته می‌سازد.

عباسی (۱۳۹۶) واژه‌های غیر بسیط فارسی در انگاره‌های صرف واژگانی و صرف شناختی را تحلیل کرده و کارآمدی آن‌ها را ارزیابی می‌کند؛ او همچنین دو فرایند ترکیب و اشتقاق را در دو انگاره صرف ساختی و واژگانی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که باوجودی که این دو انگاره نگاهی واژه‌بنیاد به صرف دارد، ولی صرف ساختی کارآمدتر از صرف واژگانی است.

۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش داده‌های مورد نظر به دو بخش واژه‌های مشتق‌مرکب و مرکب تقسیم می‌شود. هرچند ذکر این نکته ضروری است که در رویکرد واژه‌بنیاد بحث مشتق‌مرکب مطرح نیست؛ زیرا آن‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در چنین الگویی به ساختار درونی واژه‌ها توجه نمی‌شود و اگر واژه‌ای مشتق‌مرکب در نظر گرفته می‌شود، تنها به منظور مشخص کردن ساختار تکواژی آن بوده است. در جدول (۱) نمونه‌هایی از واژه‌های مورد بررسی نشان داده شده است.

جدول (۱). نمونه‌هایی از واژه‌های تحلیل شده

رویکرد	نمودار واژه‌بنیاد	نمودار تکواژی‌بنیاد	نوع واژه	مقوله	واژه	ردیف
تکواژی‌بنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern $[xod]_{Pro}, [Y]_V : [[xod]_{Pro} - [Y]_V]_N$ "Agent of Y by itself"; xod, row: xodrow	$[[xod]_{Pro} - [row]_V]_N$	مرکب	اسم	خودرو	۱
تکواژی‌بنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern $[X]_N, [negār]_V : [[X]_N - [negār]_V]_N$ "Writer of X"; xabar, negār: xabarnegār	$[[xabar]_N - [negār]_V]_N$	مرکب	اسم	خبرنگار	۲
واژه‌بنیاد	Pattern $[X]_N, [Y]_V : [[X]_N - [Y]_V]_i - i]_N$ "Action of Y on X"; xabar, gozār: xabargozāri	-	مشتق‌مرکب	اسم	خبرگزاری	۳

ادامه جدول (۱).

تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [šənās] _V : [[X] _N -[šənās] _V] _N "Agent of Y on X"; kār, šənās: kāršənās	[[kār] _N - [šənās] _V] _N	مرکب	اسم	کارشناس	۴
واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; piš, bin: pišbini	-	مشتق مرکب	اسم	پیش‌بینی	۵
واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; jelow, gir: jelowgiri	-	مشتق مرکب	اسم	جلوگیری	۶
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [xāne] _N : [[X] _N -xāne] _N "place of X"; kār, xāne: kār xāne	[[kār] _N - [xāne] _N] _N	مرکب	اسم	کارخانه	۷
واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , /ā/ [X] _N : [[X] _N - /ā/- [X] _N] _N "From X to X"; sar, /ā/ sar: sarāsar	-	مشتق مرکب	اسم/ قید	سراسر	۸
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [dār] _V : [[X] _N -dār] _V] _N "Responsible for X"; šahr, dār: šahr dār	[[šahr] _N - [dār] _V] _N	مرکب	اسم	شهردار	۹
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; arz, yāb: arzyābi	[[[arz] _V - [yāb] _V] _N -i] _N	مشتق مرکب	اسم	ارزیابی	۱۰
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V] _N "Agent of Y on X"; havā, peymā: havāpeymā	[[havā] _N - [peymā] _V] _N	مرکب	اسم	هواپیما	۱۱
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [xāne] _N : [[X] _N -[xāne] _N] _N "place of X"; vezārat, xāne: vezārat xāne	[[vezārat] _N - [xāne] _N] _N	مرکب	اسم	وزارت‌خانه	۱۲
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; pey, gir: peygiri	[[[pey] _N - [gir] _V] _{Adj} -i] _N	مشتق مرکب	اسم	پیگیری	۱۳
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; kār, gardān: kār, gardāni	[[[kār] _N - [gardān] _V] _N -i] _N	مشتق مرکب	اسم	کارگردانی	۱۴
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _{Adj} , [šanbe] _N : [[X] _{Adj} -[šanbe] _N] _N "week days related to X"; čāhār, šanbe: čāhār šanbe	[[[čāhār] _{Adj} - [šanbe] _N] _N	مرکب	اسم	چهارشنبه	۱۵
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; soxan, rān: soxan rāni	[[[soxan] _N - [rān] _V] _N -i] _N	مشتق مرکب	اسم	سخنرانی	۱۶
واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; dād, gostar: dād gostari	[[[dād] _N - [gostar] _V] _{Adj} -i] _N	مشتق مرکب	اسم	دادگستری	۱۷
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [sarā] _N : [[X] _N -[sarā] _N] _N "place of X/institute for X"; farhang, sarā: farhang sarā	[[farhang] _N - [sarā] _N] _N	مرکب	اسم	فرهنگسرا	۱۸
واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [Y] _V : [[X] _N -[Y] _V]-i] _N "Action of Y on X"; šahr, sāz: šahr sāzi	-	مشتق مرکب	اسم	شهرسازی	۱۹
تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد	Pattern [X] _N , [nāme] _N : [[X] _N -[nāme] _N] _N "written text about X"; namāyeš, nāme: namāyeš nāme	[[[namā] _V - eš] _N - [[nām] _N - e] _N] _N	مشتق مرکب	اسم	نمایش‌نامه	۲۰

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، امکان توجیه ساخت واژه‌ها براساس الگویی یکسان وجود ندارد؛ بنابراین، در زیربخش‌های بعد، به تفکیک الگوی ساخت واژه‌های مرکب بررسی خواهد شد.

۳-۱- واژه‌های مشتق مرکب

از نظر شقاقی (۱۳۸۹: ۹۷-۹۸) «گاه هر دو فرایند ترکیب و اشتقاق، برای ساختن واژه جدید به کار می‌رود. چنانچه فرایند اشتقاق برپایه غیر بسیط مرکب عمل کند، واژه مرکب مشتق می‌سازد.» او واژه‌هایی همچون «شهرداری» یا «شیرخوارگاه» را واژه‌های مرکب مشتقی می‌داند که با وندافزایی به کلمه مرکب ساخته شده‌اند. شقاقی (۱۳۸۹: ۹۸-۹۹) می‌نویسد:

«چنانچه فرایند اشتقاق وندی را به کلمه مرکب موجود (بالفعل) بیفزاید و واژه جدیدی بسازد، فرایند دخیل در این نوع واژه‌سازی را ترکیب و اشتقاق پایگانی مینامیم. در صورتی که دو فرایند ترکیب و اشتقاق به طور همزمان یکباره واژه جدیدی را بسازند، فرایند واژه‌سازی را ترکیب و اشتقاق ناپایگانی^{۳۷} نام می‌دهیم.»

البته رویکرد شقاقی کاملاً مبتنی بر ویژگی‌های ساختاری واژه‌هاست و از آنجاکه در رویکرد واژه‌بنیاد امکان دسترسی به ساختار درونی واژه وجود ندارد، شاید نتوان از اصطلاح مشتق مرکب برای این الگو استفاده کرد؛ با وجود این، به منظور یکسان‌سازی موضوع، برای الگوی واژه‌بنیاد نیز از عبارت مشتق مرکب استفاده شده است.

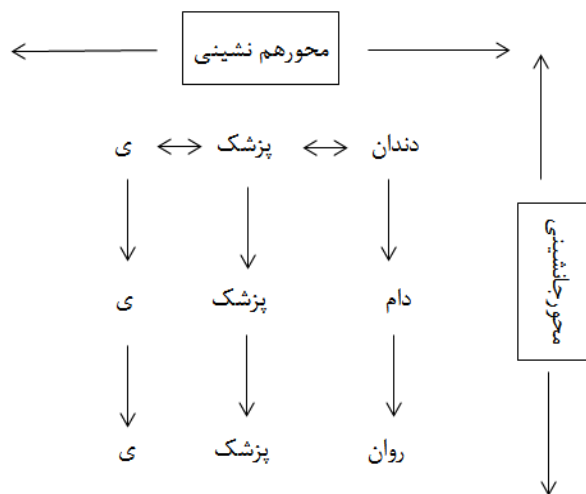
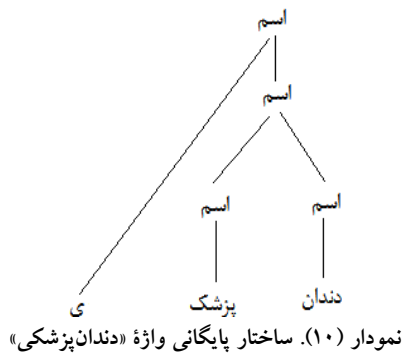
با توجه به تفاوت در ساخت این نوع واژه‌ها می‌توان آن‌ها را به دو دسته (۱) واژه‌هایی که ساخت آن‌ها با هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد قابل توجیه است و (۲) واژه‌هایی که ساخت آن‌ها فقط با رویکرد واژه‌بنیاد قابل توجیه است، تقسیم کرد. در بخش‌های (۳-۱-۱) و (۳-۱-۲) به تحلیل هر یک از این دو دسته پرداخته می‌شود:

۳-۱-۱- واژه‌های مشتق مرکب قابل تبیین با هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد

در پژوهش حاضر واژه‌هایی مانند «دندان‌پزشکی»، «شهرداری»، «پیش‌بینی»، «جلوگیری»، «رهبری»، «ارزیابی»، «فناوری»، «کارشناسی»، «راهنمایی»، «دستیابی»، «بهداشتی»، «سخنرانی»، «دادگستری»، «ساماندهی»، «دانشجویی»، «کارگردانی»، «شهرسازی»، «خودداری»، «غیر دولتی»، «یادگیری»،

«پاسخ‌گویی»، «گردهمایی»، «خوش‌بختانه»، «صادرکننده»، «دوچرخه»، «کاربردی»، «فرماندهی»، «موافقت‌نامه»، «خودکشی»، «سازماندهی»، «فیلم‌برداری»، «سیاست‌گذاری»، «باقیمانده»، «اتوبوسرانی»، «زیربنایی»، «راهپیمایی»، «شاهرودی»، «سرچشمه»، «شاهزاده»، «تاکسی‌رانی»، «خوشنویسی»، «روشنفکری»، «مسافربری»، «خداحافظی»، «هواشناسی»، «دوومیدانی»، «جمهوری‌خواه»، «کتاب‌خوانی» و «گمشده» به لحاظ ساختاری مشتق‌مرکب محسوب می‌شود. برخی از این واژه‌ها ساختاری پایگانی و برخی دیگر ساختاری ناپایگانی دارند.

در واژه مشتق‌مرکبی مانند «دندان‌پزشکی»، اگر بپذیریم که ابتدا «دندان‌پزشک» ساخته شده و سپس «دندان‌پزشکی»، می‌توان گفت که این واژه ساختار پایگانی دارد و بنابراین رویکرد تکواژبنیاد رویکردی مناسب برای توجیه چنین واژه‌هایی است؛ روی محور همنشینی تکواژهای تشکیل‌دهنده این واژه یعنی «دندان»، «پزشک» و «-ی» به صورت پشت سر هم قرار می‌گیرد.



از سوی دیگر، براساس گفته آرونف (۱۹۷۶: ۵۰) معنای برون‌داد قاعده ساخت واژه، به لحاظ معنایی، همیشه تابع معنای پایه است؛ بنابراین شاید نتوان پذیرفت که «دندان پزشکی» از «دندان پزشکی» ساخته شده است و در چنین شرایطی رویکرد تکواژبنیاد ناکارآمد خواهد بود. به‌باور نگارندگان مقاله حاضر، بعید است که ابتدا نام متخصص یک حوزه درست شده باشد و پس از آن، خود تخصص نام‌گذاری شده باشد؛ بنابراین شاید بتوان گفت که واژه «دندان پزشکی» را می‌توان تنها با رویکرد واژه‌بنیاد توجیه کرد؛ این واژه، ساختاری چون «X + پزشکی» دارد، که در آن X اسم است و ساخت واژه‌هایی مانند «دام‌پزشکی» و «روان‌پزشکی»، از چنین الگویی تبعیت می‌کند. الگوی ساخت دو واژه براساس هر دو رویکرد در نمونه‌های (۴) و (۵) مشخص شده است.

تکواژبنیاد:

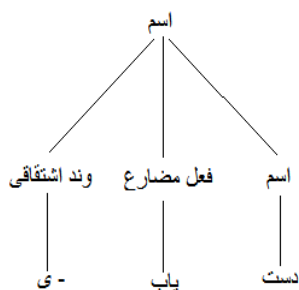
4) [[[dandān]_N – [pezešk]_N]-i]_N

واژه‌بنیاد:

5) -Pattern: [X]_N, [pezeški]_N: [X- pezeški]_N “Medical Profession of X”; dandān, pezeški: dandānpezeški

۳-۱-۲- واژه‌های مشتق‌مرکب قابل تبیین با رویکرد واژه‌بنیاد

برخی از این واژه‌های مشتق‌مرکب ساختاری ناپایگانی دارند؛ برای نمونه می‌توان واژه‌هایی نظیر «دستیابی» را نام برد که با ترکیب هم‌زمان تکواژ واژگانی آزاد «دست»، تکواژ واژگانی وابسته «یاب» و پسوند اشتقاقی «-ی» ساخته شده است. از آنجاکه در زبان فارسی، واژه‌های «دستیاب» یا «یابی» نداریم، از این رو این واژه، ساختاری ناپایگانی به‌صورت نمودار (۱۲) دارد.



نمودار (۱۲). ساختار ناپایگانی واژه «دستیابی»

واژه‌های مانند «زیباسازی»، «آزادسازی»، «پاکسازی»، «اعتمادسازی» و «فضاسازی» را می‌توان نام برد که الگویی مانند واژه «دستیابی» دارد؛ در زبان فارسی واژه‌هایی مانند «زیباساز»، «آزادساز»، «پاکساز»،

«اعتمادساز» و «فضاساز» به صورت مستقل در فرهنگ لغت وجود ندارد که بتوان پسوند اشتقاقی «-ی» را به آنها افزود. الگوی این واژه‌ها را که تنها با رویکرد واژه‌بنیاد سازگار است، می‌توان به صورت نمونه (۶) نشان داد.

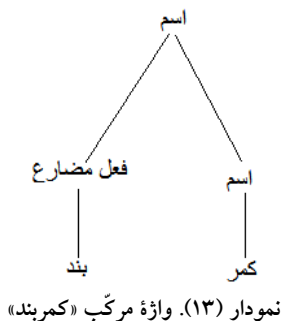
6) -Pattern $[X]_N, [Y]_V: [[X]_N- [Y]_V]-i]_N$ “Action of Y on X”; fazā, sāz: fazāsāzi

۳-۲- واژه‌های مرکب

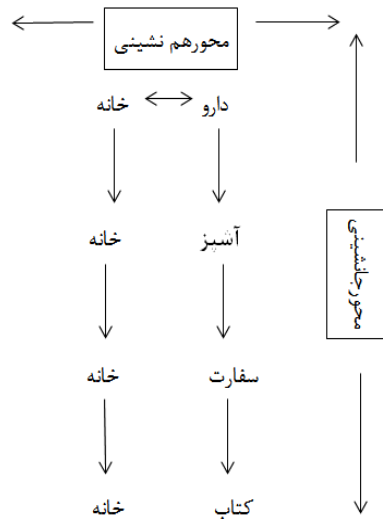
در بخش مقدمه به چگونگی ساخت واژه‌های مرکب اشاره شد. واژه‌هایی مانند «خبرنگار، بزرگراه، پاسخ‌گو، سردار، سهام‌دار، جانباز، دادستان، بزرگسال، کارفرما، امکان‌پذیر، دادسرا، کارآمد، روشنفکر، بزرگداشت، دستمزد، هوادار، سالگرد، غیر مجاز، سوء استفاده، نگارخانه، آذرماه، سرنشین، پیرمرد، کم‌کم، روزافزون، خوشحال، پیش‌برد، بلندمدت، سرکوب، پیغامبر، درازمدت، زیرساخت، جهانگرد، خودروساز، روان‌شناس، سردبیر، کمربند، دلخواه، هنرپیشه، گازسوز، دادخواست، نیمکت، پرشور، پایبند، سخنران، دست‌خوش، تأثیرگذار، چهارچوب، داروخانه، بهداشت» واژه‌های مرکب محسوب می‌شود. این واژه‌ها می‌توانند به دو دسته (۱) واژه‌هایی که ساخت آنها با هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد قابل توجیه است و (۲) واژه‌هایی که ساخت آنها فقط با رویکرد واژه‌بنیاد قابل تبیین است، تقسیم شود. در دو بخش زیر به تجزیه و تحلیل هر یک از این دو دسته می‌پردازیم:

۳-۲-۱- واژه‌های مرکب قابل تبیین با هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد

در این گروه، واژه‌هایی وجود دارد که با هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد سازگار است. این واژه‌ها از ترکیب مقوله‌های مختلفی به وجود آمده‌اند؛ برای نمونه برخی از این ترکیب‌ها می‌تواند ترکیب «اسم + اسم: داروخانه»، «اسم + فعل: کمربند»، «صفت + اسم: خوشحال»، «قید + قید: کم‌کم» و یا «ضمیر + فعل + فعل: خودروساز» باشد. در این ترکیب‌ها با استفاده از ترکیب دو واژه می‌توان واژه‌ای جدید ساخت. نمودار (۱۳) بیان‌گر چنین ساختی است.



برخی از این ترکیب‌ها حاصل ترکیب دو تکواژ واژگانی آزاد مانند «داروخانه» یا ترکیب یک تکواژ واژگانی آزاد به‌علاوه یک تکواژ واژگانی وابسته مانند «روانشناس» است. در ترکیب نوع اول یعنی ترکیب دو تکواژ واژگانی آزاد در واژه‌ای مانند «داروخانه» و در رویکرد واژه‌بنیاد می‌توان تکواژ واژگانی آزاد «خانه» را به‌مثابه پایه‌ای برای ساخت قیاسی واژه‌های دیگر در نظر گرفت؛ برای نمونه واژه‌هایی همچون «آشپزخانه»، «سفارتخانه» و موارد مشابه را می‌توان با رویکرد واژه‌بنیاد و به قیاس و روی محور جانشینی ساخت.



نمودار (۱۴). نمونه‌ای از دو محور هم‌نشینی و جانشینی برای واژه‌های مرکب «داروخانه، آشپزخانه، سفارتخانه و کتابخانه»

الگویی که می‌توان برای این واژه‌ها در رویکرد واژه‌بنیاد در نظر گرفت، به‌صورت الگوی (۷) است.

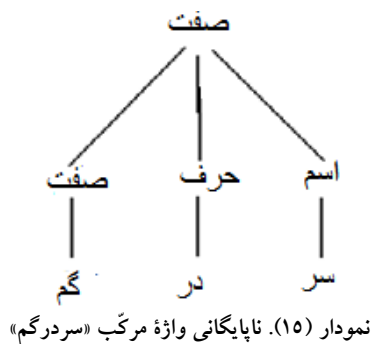
7) -Pattern $[X]_N, [x\text{āne}]_N: [[X]_N - [x\text{āne}]_N]$ "place of X"; sefārat, xāne: sefāratxāne

نکته مهم در ساخت این گونه الگوها این است که (۱) واژه‌هایی از یک مجموعه باید دارای مقوله نحوی یکسان باشند؛ یعنی به‌جای واژه «آشپز» که یک X با مقوله اسم است، نمی‌توان واژه‌ای نظیر «آشپزی» که باز هم یک اسم است، ولی عمل یا فرایند پختن را می‌رساند، درج کرد و (۲) معنای وند یا تکواژ آزادی که در واژه‌ها مشترک است، باید در تمامی این واژه‌ها یکسان باشد یا حداقل بتوان برای آن‌ها الگوی معنایی مشترکی در نظر گرفت. در اینجا تکواژ آزاد «خانه» به‌معنی «مکان چیزی»، در تمامی واژه‌هایی از جمله «آشپزخانه»، «سفارتخانه»، «کارخانه»، «وزارتخانه»، «رودخانه» و «نگارخانه» یکسان است. در واقع آشپزخانه به‌معنی خانه / مکان آشپز، سفارتخانه به‌معنی خانه / مکان سفارت، کارخانه به‌معنی خانه / مکان کار، وزارتخانه به‌معنی خانه / مکان وزرات، رودخانه به‌معنی خانه / مکان رود،

نگارخانه، خانه/ مکان نگاشتن و دبیرخانه، خانه/ مکان دبیر (البته در معنی کاتب یا نگارنده اسناد) است. براساس این، می‌توان از واژه «روزنامه‌نگار» به‌قیاس با «خبرنگار»، از واژه «آزادراه» به‌قیاس با «بزرگراه»، از واژه «کوتاه‌مدت» در محور جانشینی و به‌قیاس با «بلندمدت» نام برد.

۳-۲-۲- واژه‌های مرکب قابل تبیین با رویکرد واژه‌بنیاد

همان‌گونه که در بخش (۳-۲-۱) نیز اشاره شد، واژه‌هایی را که ساخت ناپایگانی دارد، تنها می‌توان با الگوی واژه‌بنیاد تبیین کرد؛ برای نمونه می‌توان واژه «سردرگم» را نام برد. این واژه از سه تکواژ واژگانی و آزاد «سر»، «در» و «گم» تشکیل شده است و از نوع «مرکب» است؛ همچنین ساختار این واژه به‌صورت ناپایگانی شکل گرفته است. سه واژه به‌طور هم‌زمان با هم ترکیب شده‌اند؛ زیرا ترکیبی مانند «سردر» یا «درگم» نداریم؛ از این رو، این واژه با رویکرد تکواژبنیاد نمی‌تواند سازگار باشد و در نتیجه تنها با رویکرد واژه‌بنیاد سازگار است.



واژه‌هایی مانند گل‌گاوزبان، چاقوتیزکن، شترگاوپلنگ، آب‌شیرین‌کن، آبدوغ‌خیار، مدادپاک‌کن، سبزی‌خردکن، آشغال‌جمع‌کن را می‌توان از این دست واژه‌ها دانست.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

پس از بررسی ۱۰۰۰ واژه پربسامد مرکب و مشتق‌مرکب زبان فارسی، در جدول (۲)، به‌طور کلی، نحوه توجیه ساخت واژه‌های مشتق‌مرکب و مرکب در زبان فارسی، به‌همراه نمونه‌ای از هر گروه و درصد هریک ارائه شده است.

همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، ساخت ۸۳/۶۸٪ از واژه‌های مرکب مورد بررسی با هر دو رویکرد و ۱۶/۳۲٪ تنها با رویکرد واژه‌بنیاد قابل تبیین است؛ این در حالی است که در داده‌های مورد بررسی حتی یک واژه مرکب یافت نشد که تنها با رویکرد تکواژبنیاد قابل تبیین باشد.

جدول (۲). نمونه‌ای از تبیین الگوی ساخت‌وازی واژه‌ها به‌همراه درصد

درصد	نمونه		نوع تبیین	ردیف
۸۳/۳۸	کارشناس، رهبر، نوجوان، کارخانه	مرکب	قابل تبیین با هر دو رویکرد	۱
	روزنامه، شهرداری، سخنرانی، بهداشتی، دانشجویی	مشتق مرکب		
۱۶/۳۲	سردرگم	مرکب	قابل تبیین تنها با رویکرد واژه‌بنیاد	۲
	پیش‌بینی، فناوری، پیشگیری، دادگستری، جلوگیری	مشتق مرکب		
۰/۰	-----	مرکب	قابل تبیین تنها با رویکرد تکواژبنیاد	۳
	-----	مشتق مرکب		

برای تبیین ساخت بیشتر واژه‌های مرکب می‌توان هر دو رویکرد تکواژبنیاد و واژه‌بنیاد را متصور بود؛ در واژه مرکبمانند «داروخانه» هر دو رویکرد را می‌توان در نظر گرفت، زیرا این واژه هم بر روی محور همنشینی و هم بر روی محور جانشینی قرار می‌گیرد.

برخی از واژه‌های مشتق مرکب ساختاری ناپایگانی دارد که در چنین شرایطی تنها با رویکرد واژه‌بنیاد سازگار است؛ برای نمونه می‌توان واژه‌هایی مانند «آزادسازی» و «اعتمادسازی» را نام برد. این مسئله را در واژه‌های مانند «سردرگم» که ساختاری ناپایگانی دارد نیز، می‌توان مشاهده کرد. بررسی داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هیچ واژه مشتق مرکب یا مرکبی که تنها با الگوی تکواژبنیاد قابل تبیین باشد، حداقل میان واژه‌های پربسامد زبان فارسی که در پژوهش حاضر بررسی شده است، وجود ندارد.

افزون بر موارد یادشده، می‌توان به سایر دستاوردهای پژوهش حاضر، به شرح زیر اشاره کرد:

۱- در رویکرد واژه‌بنیاد بحث مشتق مرکب وجود ندارد؛ یعنی از نگاه واژه‌بنیاد این‌گونه واژه‌ها فقط مشتق یا مرکب محسوب می‌شود؛ زیرا مسئله ساختار درونی واژه‌ها در رویکرد واژه‌بنیاد اهمیتی ندارد. واژه «دندان‌پزشک» یک «X» محسوب می‌شود که پسوند اشتقاقی «-i» به آن اضافه شده است و در چنین شرایطی مشتق محسوب می‌شود؛ این «X» می‌تواند واژه‌های بسیط مانند «جراح» یا مرکب مانند «روان‌شناس» باشد.

۲- پذیرش این موضوع که واژه‌های مانند «دندان‌پزشکی» که حوزه‌ای علمی است از «دندان‌پزشک» که متخصص این حوزه است، ساخته شده باشد، منطقی نیست. حتی اگر بپذیریم که «دندان‌پزشک» به‌واسطه پسین‌سازی^{۳۸} از «دندان‌پزشکی» ساخته شده است نیز، تنها با الگوی واژه‌بنیاد سازگار است؛

زیرا در پسین‌سازی یک عنصر، حذف می‌شود و چنین رفتاری با الگوی تکواژبنیاد، که در آن تکواژ عنصری معنی‌دار یا نقش‌دار است، سازگاری نخواهد داشت.

۳- از منظر نگارندگان این مقاله، براساس رویکرد واژه‌بنیاد، هریک از دو واژه «دندان‌پزشک» و «دندان‌پزشکی» الگوی ساخت مجزای خود را دارد و نیاز به تعیین جهت ساخت واژه وجود ندارد؛ چنین الگوهایی با ماهیت زایای زبان هم‌سویی بیشتر خواهد داشت.

8) -Pattern: $[X]_N$, $[\text{pezeški}]_N$: $[X\text{-pezeški}]_N$ “Medical Profession of X”; dandān, pezeški: dandānpezeški

9) -Pattern $[X]_N$, $[\text{pezešk}]_N$: $[[X]_N\text{-}[\text{pezešk}]_N]_N$ “Physician of X”; dandān, pezešk: dandānpezešk

منابع

ارکان، فائزه (۱۳۹۰). بررسی تحلیل عناصر ساختوازی کلمات مرکب فعلی بر مبنای نظریه صرف مبتنی بر واژه قاموسی. پژوهش‌های زبانی، ۲ (۱)، ۲۰-۱.

شریفی، شهلا (۱۳۹۱). بررسی رویکرد کل - واژه یا ساخت‌واژه بدون تقطیع به‌عنوان یک رویکرد واژه‌بنیاد حقیقی. در: مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، (صص. ۴۰۸-۴۲۲). دانشگاه علامه طباطبایی.

شقاقی، ویدا (۱۳۸۹). مبانی صرف. چاپ چهارم. تهران: سمت.

صدری افشار، غلامحسین؛ نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۹۶). فرهنگ فارسی. ویراست دوم. تهران: فرهنگ معاصر.

صراحی، محمد امین (۱۳۹۵). نظریات ساختوازی هله و اروناف و دستگاه واژگان فارسی. مطالعات زبانی و بلاغی، ۷ (۱۴)، ۱۳۵-۱۶۰.

عباسی، زهرا (۱۳۹۶). واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف واژگانی و صرف ساختی. دو ماهنامه جستارهای زبانی، ۱ (۳۸)، ۶۷-۹۳.

کلباسی، ایران (۱۳۹۱). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. چاپ پنجم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Arkan, F. & A. safari (2017). An Analysis of Persian Compound Nouns as Constructions. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 9 (1), 33-58.

Aronoff, M. (1976). *Word Formation in Generative Grammar*. Cambridge, Mass.: MIT Press.

----- (1994). *Morphology by Itself*. Cambridge, MA: MIT press.

----- & K. Fudeman (2011). *What is Morphology*, 2nd ed., Wiley- Blackwell Publishing.

- Beard, R. (1995). *Lexeme-Morpheme Base Morphology: A General Theory of Inflection and Word Formation*. State University of New York Press.
- Blevins, J. P. (2013). Word-based Morphology from Aristotle to Modern WP (word and paradigm models). In: K. Allan (Ed.), *The Oxford Handbook of the History of Linguistics*, (pp. 375-396). The Oxford Handbook of the History of Linguistics.
- Bochner, H. (1993). *Simplicity in Generative Morphology*. Berlin/New York: Mouton de Gruyter.
- Booij, G. (2007). *The Grammar of Words: An Introduction to Morphology*, 2nd ed., OXFORD TEXTBOOKS IN LINGUISTICS. Oxford University Press.
- Chen, T. M. & J. Y. Chen (2006). Morphological encoding in the production of compound words in Mandarin Chinese. *Journal of Memory and Language*, 54, 491-514.
- Coates, R. (1999). *WORD STRUCTURE*. In: R. Husdon, (Ed.). Routledge.
- Jang, Y. S. (2005). A Word-based Model Approach to Synthetic Compounds. *Linguistic Research*, 22.2, 87- 107.
- Lieber, R. (1992). *Deconstructing Morphology*. Chicago and London: University of Chicago Press.
- (2009). *Introducing Morphology*. New York: Cambridge University Press.
- Neuvel, S. (2002). Whole Word Morphologizer: Expanding the Word-Based Lexicon: A Nonstochastic Computational Approach. *Brain and Language*, 81, 454-463.
- Nida, E. A. (1949). *Morphology: The DESCRIPTIVE ANALYSIS OF WORDS*. 2nd ed., University of Michigan press.
- Plag, I. (2003). *Word-Formation in English*. Cambridge University Press.
- Selkirk, E. (1982). *The syntax of Words*. Cambridge, MA: MIT Press.